

# تأثیر عوامل جغرافیایی بر بازدارندگی نسبت به وقوع یک منازعه گسترده در بین کشورهای حوزه خلیج فارس

حسین نواده توبچی<sup>۱</sup>

وحید فتاحی<sup>۲</sup>

## چکیده

منطقه خلیج فارس دارای عوامل متعدد جغرافیایی است و با توجه به شرایط خاص منطقه برخی از آنها دارای اهمیت و حساسیت مضاعفی هستند که بر روی تصمیمات دولتمردان منطقه و جهان تأثیرات جدی گذاشته و خواهد گذاشت. این مقاله با بررسی عوامل جغرافیایی خلیج فارس و تنگه هرمز، نظریه ها و دیدگاه های مربوط به بازدارندگی و ویژگی های نیروهای بازدارنده، تأثیر عوامل جغرافیایی را بر بازدارندگی از وقوع یک منازعه گسترده در خلیج فارس مورد بررسی قرار می دهد.

با توجه به تأثیر مخرب یک منازعه گسترده در خلیج فارس بر روی عوامل جغرافیایی مورد استفاده کشورهای منطقه و از بین رفتن منافع حیاتی کشورها و دولت های منطقه، در یک محاسبه منطقی، این عوامل باعث بازدارندگی کشورهای منطقه از ایجاد یک منازعه گسترده می گردد، لیکن دخالت قدرت های خارجی که منافع حیاتی آنها به روش های دیگری تأمین می گردد و همچنین محاسبات غیر منطقی می تواند باعث بروز منازعه ای گسترده و ویرانگر در منطقه خلیج فارس گردد.

## کلیدواژه

جغرافیایی، ژئواکونومی، بازدارندگی، خلیج فارس، جنگ و منازعه

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

۲. دانشجوی دکتری علوم دفاعی استراتژیک، دانشگاه عالی دفاع ملی

## □ مقدمه

محیط امنیتی خلیج فارس نسبت به سه دهه قبل تغییرات وسیعی داشته است. وقوع انقلاب اسلامی در ایران، تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، فروپاشی شوروی، اهمیت روز افزون نفت خلیج فارس، حضور آمریکا در خلیج فارس، هژمونی طلبی آمریکا در جهان با ارائه نظریه نظم نوین جهانی و استفاده از اهرم نفت خلیج فارس، همگی تغییراتی راهبردی را در این منطقه ایجاد کرده اند. عوامل مهم جغرافیایی، ژئو اکونومیکی و ژئوراهبردی خلیج فارس، اتخاذ سیاست های خاصی را به کشورهای منطقه و سایر دولت ها توصیه و دیکته می کند. در حوزه جنوبی خلیج فارس یک تشکل سیاسی - امنیتی شکل گرفته است که با همسایه شمالی آنکه در ترتیبات امنیتی منطقه مشارکت داده نشده است، دارای دیدگاه های سیاسی و ایدئولوژیکی متفاوتی هستند. با توجه به اینکه آمریکا و کشورهای هم پیمان وی از شورای همکاری خلیج فارس حمایت می کنند؛ و از لحاظ دیدگاه های سیاسی و ایدئولوژیکی دارای تعارضات جدی با ایران می باشند، این امکان وجود دارد که به علل مختلف بهانه هایی را برای بروز منازعات ایجاد نمایند. لذا مقاله حاضر به بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل مهم جغرافیایی خلیج فارس و تأثیر آنها بر بازدارندگی از وقوع یک منازعه گسترده در این منطقه می پردازد.

## □ بیان مسأله

مسأله مورد نظر این تحقیق این است که آیا می توان در خلیج فارس از بروز یک منازعه گسترده میان کشورهای منطقه جلوگیری نمود؟ آیا تهدید وارد آوردن خسارت های سنگین به عوامل جغرافیایی خلیج فارس با استفاده از راهبردهای بازدارنده، می تواند کشورهای منطقه را از دست زدن به یک منازعه گسترده منع کند و تداوم صلح را تضمین نمایند؟

## □ اهمیت تحقیق

کشورهای منطقه خلیج فارس که با یکدیگر اختلافات ارضی و مرزی و تعارضات سیاسی و اجتماعی دارند، ممکن است بخواهند از قدرت نظامی خود جهت غلبه بر حریف در زمینه های اختلافی و تأمین هر چه بیشتر منافع ملی خود استفاده نمایند. آیا خسارت های حاصله از به کار گیری قدرت نظامی در جهت پیاده سازی راهبرد

بازدارندگی، بیشتر از منافع حاصله نخواهد بود؟ لذا اهمیت تحقیق به اهمیت بازدارندگی در این منطقه حساس از جهان بر می گردد، و می تواند فضای روشنی را برای کشورهای منطقه در صورت بروز یک منازعه گسترده ترسیم نماید.

### □ اهداف تحقیق

هدف این تحقیق بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی خلیج فارس بر بازدارندگی از وقوع یک منازعه گسترده در بین کشورهای منطقه خلیج فارس می باشد، که به دنبال آن عوامل مهم و میزان تأثیر نسبی هر یک، قابل تبیین خواهد بود. پس از تعیین و تبیین میزان تأثیر هر یک از عوامل، اولویت و میزان توجه به هر یک از عوامل جهت تقویت بازدارندگی و میزان سرمایه گذاری بر روی هر کدام برای مسئولان ذی ربط مشخص و آشکار خواهد گردید.

### □ پیشینه تحقیق

با بررسی های به عمل آمده در بانک اطلاعات پایان نامه ها و مقالات پژوهشی، موضوع مشابه و یا نزدیک به این مقاله یافت نگردید.

### □ سؤالات تحقیق

#### سؤال اصلی

آیا عوامل جغرافیایی خلیج فارس می توانند کشورهای منطقه را از دست زدن به یک منازعه گسترده باز بدارند؟  
سؤال اصلی به تفکیک عوامل جغرافیایی به صورت سؤالات تفکیکی به شرح ذیل قابل بیان می باشند:

1. آیا خسارت های حاصل از آسیب پذیری صنعت نفت و گاز (چاه ها، سکوها، خطوط انتقال، تأسیسات فراوری، پالایشگاه ها، بنادر صادراتی، منابع ذخیره ای، نفتکش ها، تانکرهای گاز، کشتی های حمل محصولات پتروشیمی و سایر تبعات ناشی از آن در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، انسانی، سیاسی، تأثیرات بین المللی بر انرژی و ایجاد بحران های جهانی و ...) ناشی از یک منازعه گسترده احتمالی در بین کشورهای حوزه خلیج فارس می تواند از بروز آن ممانعت به عمل آورد؟

۲. آیا خسارت های حاصل از آسیب پذیری بازار کالا و سرمایه (فرار سرمایه ها از بازار بورس، خروج سایر سرمایه ها از منطقه، از بین رفتن بازار فروش و صادرات مجدد کالاها، اعمال تحریم های عمده، افزایش انواع حق بیمه، آسیب پذیری و انهدام زیر ساخت های تجاری و تبعات ناشی از آن در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، انسانی، سیاسی و...) ناشی از یک منازعه گسترده احتمالی در بین کشورهای حوزه خلیج فارس می تواند از بروز آن ممانعت به عمل آورد؟

۳. آیا خسارت های حاصل از آسیب پذیری ارتباطات، کشتیرانی و موقعیت راهبردی (توقف کشتیرانی، ممنوعیت پروازهای تجاری از فضای منطقه، تخریب بنادر و تأسیسات کشتیرانی، مین ریزی خطوط دریایی، و تبعات ناشی از آن در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، انسانی، سیاسی و...) ناشی از یک منازعه گسترده احتمالی در بین کشورهای حوزه خلیج فارس می تواند از بروز آن ممانعت به عمل آورد؟

۴. آیا خسارت های حاصل از آسیب پذیری زیر ساخت های عمومی منطقه (شهرها و مناطق جمعیتی، مرکز سیاسی و حکومتی، زیر ساخت های صنعتی، تولیدی، اجتماعی، جاده ها، بنادر، فرودگاه ها، نیروگاه ها، و تبعات ناشی از آن در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، انسانی، سیاسی و...) ناشی از یک منازعه گسترده احتمالی در بین کشورهای حوزه خلیج فارس می تواند از بروز آن ممانعت به عمل آورد؟

#### ۱- فرضیه تحقیق

##### الف - متغیر تابع

ایجاد بازدارندگی نسبت به وقوع منازعه

##### ب - متغیر مستقل

خسارت های عمده به عوامل جغرافیایی، که به تفکیک عوامل به شرح ذیل قابل بیان می باشند:

۱. خسارت های ناشی از وقوع یک نزاع گسترده به صنعت نفت و گاز (چاه ها، سکوها، خطوط انتقال، تأسیسات فراوری، پالایشگاه ها، بنادر صادراتی،

منابع ذخیره ای، نفتکش ها، تانکرهای گاز، کشتی های حمل محصولات پتروشیمی و سایر تبعات ناشی از آن در حوزه های اجتماعی، اقتصادی، انسانی، سیاسی، تأثیرات بین المللی در حوزه انرژی و ایجاد بحران های جهانی و ...)

۲. خسارت های ناشی از وقوع یک نزاع گسترده به بازار کالا و سرمایه ( فرار سرمایه ها از بازار بورس، خروج سایر سرمایه ها از منطقه، از بین رفتن بازار فروش و صادرات مجدد کالاها، اعمال تحریم های عمده، افزایش انواع حق بیمه، آسیب پذیری و انهدام زیر ساخت های تجاری و تبعات ناشی از آن در حوزه های اجتماعی، اقتصادی، انسانی، سیاسی و ...)

۳. خسارت های ناشی از وقوع یک نزاع گسترده به ارتباطات و موقعیت راهبردی (توقف کشتیرانی، ممنوعیت پروازهای تجاری از فضای منطقه، تخریب بنادر و تأسیسات کشتیرانی، مین ریزی خطوط دریایی، و تبعات ناشی از آن در حوزه های اجتماعی، اقتصادی، انسانی، سیاسی و ...)

۴. خسارت های ناشی از وقوع یک نزاع گسترده به زیر ساخت های عمومی منطقه (شهرها و مناطق جمعیتی، مرکز سیاسی و حکومتی، زیر ساخت های صنعتی، تولیدی، اجتماعی، جاده ها، بنادر، فرودگاه ها، نیروگاه ها، و تبعات ناشی از آن در حوزه های اجتماعی، اقتصادی، انسانی، سیاسی و ...)

ج - فرضیه: بروز خسارت های عمده به عوامل جغرافیایی خلیج فارس ناشی از وقوع یک منازعه گسترده، باعث ایجاد بازدارندگی نسبت به وقوع آن توسط کشورهای منطقه می شود.

فرضیه فوق به تفکیک عوامل به شرح ذیل نیز قابل بیان می باشد:

۱. بروز خسارت های عمده به صنعت نفت و گاز (چاه ها، سکوها، خطوط انتقال، تأسیسات فراوری، پالایشگاه ها، بنادر صادراتی، منابع ذخیره ای، نفتکش ها، تانکرهای گاز، کشتی های حمل محصولات پتروشیمی و سایر تبعات ناشی از آن در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، انسانی، سیاسی، تأثیرات بین المللی بر انرژی و ایجاد بحران های جهانی و ... ) ناشی از وقوع یک منازعه

گسترده در حوزه خلیج فارس، باعث ایجاد بازدارندگی نسبت به وقوع آن توسط کشورهای منطقه می شود.

۲. بروز خسارت های عمده به بازار کالا و سرمایه (فرار سرمایه ها از بازار بورس، خروج سایر سرمایه ها از منطقه، از بین رفتن بازار فروش و صادرات مجدد کالاها، اعمال تحریم های عمده، افزایش انواع حق بیمه، آسیب پذیری و انهدام زیر ساخت های تجاری و تبعات ناشی از آن در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، انسانی، سیاسی و...) ناشی از وقوع یک منازعه گسترده در حوزه خلیج فارس، باعث ایجاد بازدارندگی نسبت به وقوع آن توسط کشورهای منطقه می شود.

۳. بروز خسارت های عمده به ارتباطات و موقعیت راهبردی (توقف کشتیرانی، ممنوعیت پروازهای تجاری از فضای منطقه، تخریب بنادر و تأسیسات کشتیرانی، مین ریزی خطوط دریایی، و تبعات ناشی از آن در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، انسانی، سیاسی و ...) ناشی از وقوع یک منازعه گسترده در حوزه خلیج فارس، باعث ایجاد بازدارندگی نسبت به وقوع آن توسط کشورهای منطقه می شود.

۴. بروز خسارت های عمده به زیر ساخت های عمومی منطقه (شهرها و مناطق جمعیتی، مرکز سیاسی و حکومتی، زیر ساخت های صنعتی، تولیدی، اجتماعی، جاده ها، بنادر، فرودگاه ها، نیروگاه ها، و تبعات ناشی از آن در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، انسانی، سیاسی و ...) ناشی از وقوع یک منازعه گسترده در حوزه خلیج فارس، باعث ایجاد بازدارندگی نسبت به وقوع آن توسط کشورهای منطقه می شود.

### □ روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده روش تحقیق موردی و زمینه ای می باشد، زیرا درک جامعی از عوامل مؤثر بر موضوع مقاله و تحقیق را در اختیار قرار می دهد. در روش تحقیق موردی و زمینه ای، ویژگی ها و مشخصات زیر وجود دارد که با ویژگی ها و شرایط موضوع تحقیق مطابقت دارد: در مورد موضوع های خاص و ویژه کاربرد دارد، تصویر جامع و گسترده و منسجم در مورد خاصی ارائه می دهد؛ موقعیت قبلی

و فعلی مسئله خاصی مورد بررسی و تحقیق قرار می گیرد، انجام تحقیق به این روش، منجر به ارائه پیشنهاد می گردد.

### □ روش و ابزار جمع آوری

در این تحقیق منابع اطلاعاتی و مطالعاتی مرتبط با موضوع، از طریق مطالعه و استخراج مطالب، مشاوره و تهیه پرسشنامه گرد آوری شده است؛ همچنین پرسشنامه ها به صورت تصادفی بین نمونه آماری تحقیق توزیع و پس از تکمیل جمع آوری گردید.

### □ محیط تحقیق

نخبگان علوم نظامی و سیاسی در محیط دانشگاهی در سطح شهر تهران.

### □ جامعه آماری تحقیق

استادان، دانش آموختگان و دانشجویان ( سطح دکتری) دانشگاه عالی دفاع ملی.

### □ روش تحلیل

جهت تحلیل اطلاعات در یافتی و تعیین سطح اطمینان آن از آزمون سطح اطمینان  $\alpha$  برای هر یک از سؤالات استفاده خواهد شد، همچنین جهت کسب اطمینان از تسری اطلاعات به دست آمده از نمونه آماری به جامعه تحقیق از آزمون توزیع نرمال و تحلیل آن استفاده می گردد.

### □ ادبیات نظری تحقیق

#### جنگ و منازعات

تا هنگامی که گروه های مختلف با هدف ها و سیاست های متضاد وجود دارند و تا هنگامی که نیروهای مسلح وسیله ای برای تأمین منافع و ابزاری برای پیشبرد مقاصد سیاسی باشند، توسل به جنگ وجود خواهد داشت. جنگ برای هر دولتی اعم از کوچک و بزرگ اهمیت خواهد داشت. تاریخ جنگ با تاریخ تسلط انسان بر زمین برابر است و هدف از آن غالباً گسترش ارضی بوده و تا انهدام دشمن ادامه می یافته است. امروزه اعتقاد بر این است که هنر جنگ در جنگ نکردن و به اهداف جنگ رسیدن است. (عزتی، ۱۳۸۴، ۲۲)

"کلوزویتس" همواره هشدار داده است که هدف سیاسی جنگ بایسد مقدم بر هدف نظامی آن باشد، ولی معمولاً چنین نیست. امروزه دلایل زیادی را برای شروع

جنگ‌ها مطرح می‌کنند، ولی معمولاً جنگ‌ها دو علت اساسی دارند، علل دور دست که در حقیقت انگیزه اصلی جنگ‌ها است و طی زمان‌های متمادی روی هم انباشته می‌شود و علل نزدیک که در واقع بهانه‌ای است برای شروع جنگ. هدف نظامی جنگ پیروزی از راه به کار بردن خشونت است و هدف سیاسی آن تأمین منافع امنیت ملی با بهره‌گیری از فرصت‌هایی است که از راه عملیات نظامی و با تفوق بر دشمن بتوان به موفقیت‌های سیاسی، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم دست یافت (عزتی، ۱۳۸۴، ۲۳).

### بازدارندگی

اصول و عملکرد بازدارندگی نه مختص روابط بین‌الملل است و نه مختص دوران بعد از جنگ جهانی دوم، بلکه بازدارندگی نوعی از رفتار است که در بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان‌ها و حیوانات مصداق دارد، و در این شکل دارای سابقه‌ای طولانی است. از سوی دیگر بازدارندگی به دلیل آنکه یکی از مبانی اصلی اجرای قوانین است، از ضروریات زندگی در جوامع بشری می‌باشد و در برخی از موارد بازدارندگی عمده‌ترین عامل در اطاعت از قانون است. بعد از جنگ جهانی دوم، توسعه سلاح‌های با قدرت تخریب بالا، همراه با توسعه شگرف وسایل انتقال سریع آنها موجب گردید که نظریه بازدارندگی تا حد یک دکترین والای نظامی ارتقاء یابد. در مورد تعریف و مفهوم بازدارندگی تعداد زیادی تعریف در دسترس می‌باشد، که در اینجا فقط به چند مورد محدود اشاره می‌نمایم:

بازدارندگی عبارت است از تدابیری که با استفاده از وسایل روانی، به جای ابزار فیزیکی، از بروز جنگ‌ها ممانعت می‌کند (کالینز، ۱۳۷۰، ۴۷۶). هدف بازدارندگی القای ثبات به نحوی است که با ایجاد حالتی از تعادل، طرفین بالقوه متخاصم را که احتمال وقوع جنگ بین آنها وجود دارد، به حزم و احتیاط ترغیب کند (کالینز، ۱۳۷۰، ۱۶۲).

بازدارندگی، اتخاذ تدابیر گوناگون و اقدام معمول از سوی یک دولت یا گروهی از دولت‌ها برای مایوس کردن دولت یا دولت‌های دیگر از پی‌گیری سیاست‌های تهدیدآمیز، یا انجام اقدام اساسی برای بازداشتن یک دولت از دست‌یازیدن به اقدام تجاوزکارانه و یا راهبرد جنگ محدود در صورت وقوع و یا تدابیری که با استفاده از



وسایل روانی به جای ابزار فیزیکی از بروز جنگ یا تهدید ممانعت می کند، می باشد) نوروزی، ۱۳۷۸، ۵۴).

"کاسپار واینبرگر" وزیر دفاع اسبق آمریکا نیز در زمان ریاست جمهوری ریگان، راهبرد ایالات متحده را بازدارندگی ذکر می کند و این تعریف را ارائه می دهد: ما در صدیم با حفظ نیرو و نشان دادن عزم خود برای استفاده از آنها، در صورت نیاز، به نحوی که دشمنان ما را متقاعد سازد که بهای هر حمله ای علیه منافع و علائق حیاتی ما بیشتر از سودی است که آنها از این حملات انتظار دارند مانع از جنگ شویم. نام این راهبرد بازدارندگی است (باقری، ۱۳۷۰، ۴۵۵).

### هدف بازدارندگی

در مورد هدف از اتخاذ سیاست بازدارندگی، نقطه نظرات تقریباً مشابه است. "آندره بوئر" در این زمینه تأکید بر ایجاد حالتی در ذهن دشمن دارد که در پی آن حالت دشمن از کاربرد نیروهای مسلح خود اجتناب نماید.

۱- هدف بازدارندگی این است که از تصمیم گیری دشمن برای استفاده از نیروهای مسلح جلوگیری شود. از این رو نتیجه دلخواه، روانی است و از طریق تهدید تعقیب می شود؛

۲- در این راهبرد (بازدارندگی) هدف به وجود آوردن حالتی در ذهن و طرز تفکر دشمن است که نتواند نیروی تهاجمی خود را به کار ببرد (سنجابی، ۱۳۷۵، ۴۵).

۳- هدف راهبرد بازدارنده القای تدریجی ترس است، لذا باید خیلی روشن و واضح ظرفیت و توانایی انهدام بسیار وحشتناکی را دارا باشد، در حالی که دقیقاً هدف اصلی عدم استفاده از آن توانایی است (بوئر، ۱۳۶۶، ۱۴۴).

۴- "کالینز" در کتاب راهبرد بزرگ هدف بازدارندگی را مرتفع نمودن جنگ بیان می کند (کالینز، ۱۳۷۰، ۴۹) و می گوید: هدف بازدارندگی القای ثبات به نحوی است که با ایجاد حالتی از تعادل، طرفین بالقوه متخاصم را که احتمال وقوع جنگ بین آنها وجود دارد، به حزم و احتیاط ترغیب کند. ثبات به حالتی اطلاق می شود که هیچ یک از طرفین به طور منطقی نتوانند از راه کار حمله نخستین، نفعی عاید خود سازند (کالینز، ۱۳۷۰، ۱۶۲).

۶- هدف نهایی از بازدارندگی، این است که کشورهای مختلف بتوانند برای حل مسائل و اعمال سیاست های خود از روش های غیرنظامی بهره گرفته و در ضمن از عملیاتی که منجر به درگیری با کشورهای رقیب شود جلوگیری نمایند(باقری، ۱۳۷۰، ۴۵۵).

### شرایط بازدارندگی

هر پدیده برای ایجاد، نیازمند شرایطی است که در صورت فقدان امکان ایجاد آن نمی باشد. پیرامون شرایط و عناصر موردنیاز و ضروری بازدارندگی نظریات مختلفی آورده شده است.

"آندره بوفر" معتقد است برای راهبرد بازدارنده باید:

اولاً: دارای توانایی انهدام و تخریب کافی باشیم تا دشمن از ما حساب ببرد. ثانیاً: باید با دشمن طوری رفتار کنیم که تحت هر موقعیت و شرایطی بداند که می توانیم هرگونه تهاجم و یا ضربه ناگهانی را متقابلاً به بهترین وجهی پاسخ دهیم. سومین عاملی که "بوفر" بدان اشاره دارد عامل قابلیت اعتبار است و معتقد است اولین قدم در این عملیات(بازدارندگی) آن است که اول مطمئن باشیم که توانایی تهاجم و حمله بریک مبنای مستحکم و معقولی مبتنی باشد، این مرحله از اقدامات را قابلیت اعتبار و قابلیت باور می نامند (بوفر، ۱۳۶۶، ۱۳۴).

در یک جمع بندی می توان گفت که "آندره بوفر" علاوه بر تأثیر عوامل روانی، شرایط بازدارندگی را در چهار عامل می داند: (۱) توانایی (۲) ظرفیت بقا (۳) قابلیت اعتبار و باور (۴) عدم قطعیت.

"امین هویدی"، راهبردشناسی مصری، بازدارندگی را براینده سه عامل میداند:

(۱) قدرت (۲) اراده به کارگیری آن (۳) باور دشمن به این دو عامل(هویدی، ۱۳۷۸، ۱۱۶).

"کاسپار واینبرگر"، وزیر دفاع وقت آمریکا در دوره ریاست جمهوری ریگان، نیز چهار عنصر را برای بازدارندگی لازم می داند(باقری، ۱۳۷۰، ۴۵۵):

(۱) قابلیت دوام (۲) اعتبار (۳) صراحت (۴) ایمنی.  
 "کالینز" در اثر معروف خودش، تحت عنوان راهبرد بزرگ به چهار عامل مؤثر در بازدارندگی اشاره می کند. این چهار عامل عبارتند از:

- (۱) تهدید (۲) توانایی (۳) نیت و اراده (۴) اعتبار (کالینز، ۱۳۷۰، ۷۹).
- "فیل ویلیامز" نیز شرایط بازدارندگی را در قالب سه عامل زیر مطرح می کند:
- (۱) ارتباط (۲) توانایی (۳) اعتبار (ویلیامز، ۱۳۷۴، ۹۲).
- "علی باقری کبورق"، در برداشت نهایی خود ملاک های اساسی در بازدارندگی را شامل موارد ذیل می داند (باقری، ۱۳۷۰، ۴۵۰):
- (۱) قابلیت تداوم و بقا در دراز مدت: بدین معنا که نیروهای بازدارنده علاوه بر دارا بودن توان تهاجمی، باید بتوانند ادامه حیاتی یافته و علاوه بر دفع حملات دشمن، به پیروزی هایی نیز دست یابند.
- (۲) مصونیت: نیروی بازدارنده باید با پیش بینی کلیه حالات نظامی، میزان شکست و خسارت خود را به حداقل کاهش داده و به عبارت دیگر در مقابل تهاجم و شکست مصونیت یابد.
- (۳) ارتباط و صراحت: رقیب باید بداند که به کدام کار مجاز است و از اقدام به چه اعمالی باید بپرهیزد.
- (۴) نمایش قدرت: نیروی بازدارنده باید قدرت خود را با شیوه های مختلف، مانند مانور، رژه و... به نمایش گذارد.

#### نقاط ضعف عمده راهبرد بازدارندگی

همان طور که هر راهبردی ممکن است نقاط ضعف و کاستی هایی داشته باشد، راهبرد بازدارنده نیز از نقاط ضعفی برخوردار است. ذیلا به برخی از نقاط عمده ضعف راهبرد بازدارنده اشاره می شود:

**سوابق تاریخی:** در طول تاریخ، راهبرد بازدارندگی در سطوح راهبردی و تاکتیکی کاربرد داشته است. در آن ایام موضوع بازدارندگی به صورت نمایش ارتش ها، کشتی های توپدار، یا ارباب و تهدید به توسل به جنگ، به طور صریح یا ضمنی، مورد استفاده سیاستمداران بوده و آنان به این وسیله سعی داشته اند که دول دیگر را از اقدامات نظامی و سیاسی ناخوشایند بازدارند. از قدیم الایام معمولا دولت ها، از خطری که در تحریک کردن یک همسایه نیرومند وجود دارد آگاه و برحذر بوده و سعی کرده اند رفتار خود را با واقعیت ها تطبیق دهند، اما این سخن بدان معنا نیست که همواره مسائل به این طریق حل شده است، باید اعتراف نمود که

بازدارندگی همیشه موفق نبوده است و دلیل این گفته هم وجود صدها جنگ کوچک و بزرگ در تاریخ، [حتی در عصر حاضر] است (باقری، ۱۳۷۰، ۴۴۸).

عدم قابلیت تهدید برای ممانعت همیشگی از عمل طرف مقابل: این اصل پذیرفته شده ای است که تهدید، حتی تهدید به شدیدترین تنبیهات نمی تواند همیشه موفق به بازداشتن طرف دیگر شود. "آدولف هیتلر" به جنگ در صورت تجاوز به لهستان تهدید شد اما رفتار او متعاقب این تجاوز کاملاً نشان داد که این تهدید در او به کلی بی تأثیر بوده است. این تهدید محقق و موجب بازداشتن او نشد (گارنت، ۱۳۷۴، ۱۵۳).

تضاد بین حفظ وضع موجود و آرمان خواهی: همان طور که قبلاً اشاره شد گروهی معتقدند بازدارندگی، راهبردی برای جنگیدن نیست، بلکه برای حفظ وضع موجود و دستیابی به صلح و استقرار آن است (ازغندی، ۱۳۷۴، ۲۰۴). بنابراین حفظ وضع موجود و صلح اساس موضوع قرار می گیرد. مشکل در آنجا پدید می آید که یکی از طرفین و یا هر دو طرف، دارای اهداف آرمانی بوده و در پی گسترش و توسعه حوزه عمل و سلطه خود باشد؛ در اینجا نمی توان به راهبرد بازدارندگی به منظور حفظ وضع موجود اکتفا کرد، زیرا لازمه توسعه، حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب را می طلبد و در این روند تضاد منافع سبب افزایش تنش خواهد بود که نقطه نهایت آن جنگ است؛ این موضوع با مبانی استراتژی بازدارندگی متناقض است. سیاست آمریکا از ۱۹۹۰ به جای حفظ وضع موجود، تلاش در جهت دخالت در امور سیاسی کشورها و به راه انداختن جنگ های داخلی و منطقه ای بوده است (ازغندی، ۱۳۷۴، ۲۲۱).

بازدارندگی، راهبرد عکس العمل: از آنجا که در بازدارندگی، اعم از ضربه اول و یا ضربه دوم، باید منتظر سرزدن عملی از سوی دشمن باشیم، این موضوع ابتکار عمل خودی را محدود می نماید. جان پیترز در این خصوص می گوید: راهبرد بازدارنده نیز مورد توجه نیست چراکه به جای اتکای به توانایی های خودی، نیروهای نظامی باید منتظر نقشه و اراده دشمن باقی بمانند (پیترز، ۱۳۷۸، ۲۰۴).

اطلاع رسانی در برابر غافلگیری: به منظور تأمین اعتبار بازدارندگی باید ارتباط لازم با دشمن برقرار شود و توانایی های خودی به او گوشزد شود. اگر دشمن

بازداشته شده، از وجود تسلیحات بازدارنده خودی اطلاعی در دست نداشته باشد این گونه تسلیحات هیچ گونه کمکی به این امر [ اصل اعتبار بازدارندگی ] نمی کند. اما از سوی دیگر، هرچه بازدارندگی، عملکردی غافلگیرانه داشته باشد سودمندی آن نیز بیشتر و اثرات آن پایدارتر خواهد بود. در حقیقت بعضی از تسلیحات تنها در صورتی سودمندند که دشمن از وجود و نحوه عملکرد و یا توانایی دقیق آنها بی خبر باشد (گری، ۱۳۷۸، ۶۳).

خطر ناشی از محاسبه غلط: یکی از دلایل عمده که بازدارندگی نمی تواند تضمین کننده صلح باشد این است راهبرد بازدارندگی با محاسبه رفتار یک سیاستمدار معقول، هدف تأثیر بر اندیشه فرد تصمیم گیرنده را دنبال می کند؛ راهبرد بازدارندگی بر این فرض استوار است که در تصمیم در مورد این که آیا از اقدام به عملی خودداری کنند یا نه، عکس العمل سیاست سازان نسبت به تهدیدات دریافتی از طریق محاسبه ای بسیار عقلایی بین منفعت و ضرر صورت خواهد گرفت. به عبارت دیگر، اگر من این کار را انجام دهم، آنها آن عمل را انجام خواهند داد. در پایان روز، آیا من منفعت برده ام یا ضرر کرده ام؟ آیا ممکن نیست در این دنیای پیچیده سیاستمداری به محاسبه ای اشتباه برسد و سود را بیش از خسارت برآورد نماید؟ (گارت، ۱۳۷۴، ۱۵۳)

عمل غیر عقلایی و عاطفی: در راهبرد بازدارندگی انتظار آن است که سیاستمداران در تمام شرایط عکس العمل عقلایی از خود بروز دهند، اما چون انسان ها موجوداتی عاطفی هستند و انگیزه هایی چون خشم، ناامیدی، تهاجم و حتی انتقام کور دارند، احتمالاً خسارات ناشی از رفتارهای خود را به شکلی آرام و منطقی، آن گونه که موردنظر نظریه پردازان بازدارندگی است، محاسبه نمی کنند. عملکرد عراق شاهد خوبی براین مدعاست. عراق بسیاری از قوانین رفتاری را که در غرب عاقلانه و منطقی تلقی می شد زیر پا گذاشت و از روی عمد موشک هایی را به سوی اسرائیل که دارای موشک های هسته ای است پرتاب کرد (گری، ۱۳۷۸، ۳۱۳).

وقوع سوء تفاهم بین طرفین (شروع تصادفی جنگ): یکی از مواردی که شکست راهبرد بازدارندگی را محتمل می کند خطاهای ناشی از دریافت اطلاعات غلط است. این اشتباه ممکن است توسط انسان ها و یا تجهیزات و دستگاه ها رخ دهد. " در

دنیای واقعی یکی از موارد مشابه معروف زمانی اتفاق افتاد که اعلام پرواز دسته ای از گازها از فراز قطب شمال بر صفحه رادارهای آمریکایی به غلط به عنوان پرواز اسکادران‌هایی از هواپیماهای موسوم به خرس شوروی تعبیر شد که به سمت ایالات متحده در حرکت بودند. به قوه تخیل زیادی نیاز نیست تا تصور شود که چگونه در نتیجه عملکرد نادرست سیستم های تسلیحاتی و یا در نتیجه تعبیر نادرست علائم رادار و یا به علت شکست در ترتیبات مربوط به فرماندهی و کنترل تسلیحات هسته ای، دو ابرقدرت ممکن است به برخوردی کشنده شوند که هیچ کدام از آنها قصد به راه اندازی آن را نداشته اند و راهبرد بازدارندگی آنها نیز قادر به جلوگیری از آن نیست (گارنت، ۱۳۷۴، ۱۵۵).

**شروع عمدی جنگ:** چنانچه یکی از طرفین بخواهد عمداً جنگ را آغاز نماید راهبرد بازدارندگی نمی تواند مانعی برای او محسوب شود (کالینز، ۱۳۷۰، ۱۶۳).  
 ضرورت پیش دستی: اگر مدافع یا متجاوز، پیش دستی در حمله را حیاتی بداند، هرچیزی کمتر از برتری - حتی به طور ظاهری - می تواند بازدارندگی را نابود سازد (کالینز، ۱۳۷۰، ۱۶۳).

کشوری ثالث به عنوان محرک: "کالینز"، یکی دیگر از مواردی که بازدارندگی را با شکست مواجه می کند، استفاده از کشوری ثالث جهت تهاجم به خودی می داند. نیروی بازدارنده، حداقل در قالبی که ما مورد مطالعه قرار داده ایم دارای نیرویی نیست که بتواند در جنگ‌هایی که از طریق نمایندگان و عاملین تحمیل می شود موثر باشد (کالینز، ۱۳۷۰، ۱۶۳).

#### جغرافیای سیاسی و عوامل مؤثر در آن:

به طور کلی جغرافیای سیاسی تأثیر عوامل جغرافیایی را بر سیاست بررسی می کند. به عبارت دیگر جغرافیای سیاسی تأثیر آب و هوا، ناهمواری ها، نوع گیاهان و همچنین مسائل مربوط به جمعیت و محل اسکان را در حیات جوامع انسانی مورد بررسی قرار می دهد. این بررسی ها به زمامداران اطلاعات ضروری را برای اتخاذ خط مشی های لازم خواهد داد و در عین حال امکانات و محدودیت ها را برای آنها روشن خواهد کرد. جغرافیای سیاسی علاوه بر بررسی رابطه بین عوامل جغرافیایی و سیاست یک کشور، به تفسیر وقایع نیز می پردازد و آینده را پیش بینی و خط مشی سیاسی کشور را

تعیین می کند. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱، ۲)

عوامل موثر در جغرافیای سیاسی به دو دسته عوامل ثابت و متغیر تقسیم می شوند. عوامل ثابت عبارتند از موقعیت جغرافیایی، فضا، وسعت، ناهمواری ها، شکل کشور، آب و هوا، همسایگان و نوع رابطه با آنها. عوامل متغیر نیز عبارتند از جمعیت، منابع طبیعی، نهادهای سیاسی و اجتماعی. عوامل جغرافیایی بسته به اوضاع و احوال کشورها و شیوه های آنها در به کارگیری و استفاده از این عوامل در سیاست های داخلی و خارجی، می تواند نتایج مثبت و یا منفی به بار آورد. نکته مهم در این مورد آن است که بهره برداری از عوامل جغرافیایی به قدرت و توانایی کشورها بستگی دارد. اگر کشوری توانایی لازم را برای استفاده از این عوامل نداشته باشد، در این صورت کشورهای دیگر از آن بهره برداری خواهند کرد. خلیج فارس و دریای سرخ موقعیت جغرافیایی مناسبی را برای کشورهای حاشیه آن فراهم آورده است. اما کشورهای واقع در این کرانه ها، به دلیل نداشتن قدرت، نتوانسته اند از این موقعیت مساعد جغرافیایی بهره برداری کنند. لذا قدرت های خارجی از آنها بهره برداری کرده و برای کشورهای حاشیه آن، دردسر آفریده اند. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱، ۳)

#### قرن بیست و یکم و پدیده ژئواکونومی

ژئواکونومی عبارت است از: تحلیل راهبردهای اقتصادی به منظور حفظ اقتصاد ملی یا بخش های حیاتی آن و به دست آوردن کلیدهای کنترل آن از طریق ساختار سیاسی و خط مشی های مربوط به آن، همچنین دولت از این طریق می تواند کنترل و اقتدار تمام منابع تولید و بخش های کلیدی اقتصادی را به دست بگیرد و به استحکام بخشیدن فعالیت های اقتصادی بپردازد. (عزتی، ۱۳۸۰، ۱۱۰)

یکی از ویژگی های اصلی نظام جدید جهانی، اهمیت یابی اقتصاد در عرصه جهانی است. در حال حاضر قدرت اقتصادی تعیین کننده جایگاه و نقش کشورها در نظام بین المللی است. زیرا مفهوم سنتی قدرت بر پایه قابلیت های نظامی تا حدود زیادی تحت تأثیر مضمون جدید قدرت بر اساس توانایی های اقتصادی و فناورانه قرار گرفته است. در این راستا مناطقی که از نظر انرژی غنی باشند، اهمیت می یابند. بنابراین در نظام جدید جهانی مناطق ژئواکونومیک اهمیت بیشتری خواهند داشت. در حالی که در نظام دوقطبی مناطق جغرافیایی از اهمیت زیادی برخوردار بودند.

شاید مقایسه دریای سرخ و خلیج فارس از این نظر قابل توجه باشند. هر دو منطقه در نظام دو قطبی از نظر جغرافیایی از اهمیت ویژه ای برخوردار بودند. اما در نظام جدید جهانی خلیج فارس به علت داشتن ذخایر سرشار نفت از موقعیت ژئواکونومیکی نیز برخوردار است، در حالی که دریای سرخ فاقد چنین موقعیتی است. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱، ۱۴-۱۵)

### جغرافیای خلیج فارس

منطقه خلیج فارس در واقع به عنوان یک واحد جغرافیایی، همچون موجود زنده ای است که فعالانه با محیط بیرون از خود ارتباط وسیع دارد و صادرات آن را نفت و گاز و وارداتش را سرمایه، کالاهای صنعتی، مواد غذایی و سایر مایحتاج ساکنانش تشکیل می دهد؛ و این باعث شده است که در کشورهای حاشیه، به خصوص در حاشیه جنوبی، فضای زندگی لوکسی بوجود بیاید، با انسان هایی که به آن زندگی مدرن که زیر بنای فناوریانه بومی و منطقه ای نیز ندارد، خو گرفته اند. تقریباً همه کشورهای حاشیه خلیج فارس، سازمان اقتصادی مشابهی دارند، یعنی اقتصاد آنها یک پایه و متکی به نفت و گاز است، اگرچه میزان سرمایه و درآمد و در نتیجه رفاه اجتماعی در آنها - به ویژه در حاشیه شمالی و جنوبی - متفاوت است. (حافظ نیا، ۱۳۸۲، ۱۶)

"ریچارد نیکسون" رئیس جمهور سابق آمریکا در کتاب «جنگ واقعی، صلح واقعی» می نویسد: «خاور میانه از دیر باز چهار راه آسیا، آفریقا و اروپا بوده است. اکنون نفت، خون صنعت مدرن است، در منطقه، خلیج فارس قلبی است که این خون را مانند تلمبه به جریان می اندازد و راه های دریایی پیرامون خلیج فارس شریان هایی هستند که این خون حیاتی از آنها می گذرد». سران هفت کشور صنعتی نیز در مذاکرات خود به این جمع بندی رسیده اند: «تا پنجاه سال آینده خلیج فارس عمق راهبردی غرب است». (روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۲۲۷، ۱۳/۵/۱۳۶۹).

اهمیت جغرافیایی خلیج فارس به دلیل سه عامل موقعیت راهبردی، بازار واردات کالا و تجهیزات نظامی و وجود ذخایر عظیم نفت و گاز است که به طور مختصر مورد بررسی قرار می گیرند.



موقعیت راهبردی: خلیج فارس سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا را به هم پیوند می دهد و در گذشته به عنوان کوتاه ترین راه دسترسی به هندوستان مورد توجه قدرت های سلطه طلب بود. ولی امروزه موقعیت جغرافیایی خلیج فارس در رابطه با کشورهای کناره آن، ارزش غیر قابل انکار دارد. همچنین در گذشته خلیج فارس به علت نزدیکی به شوروی و ارتباط این آبراه به دریای عمان و اقیانوس هند شدیداً مورد توجه بود. در حال حاضر با فرو پاشی شوروی و پیدایش کشورهای مستقل در آسیای میانه، خلیج فارس راه مناسبی برای دسترسی کشورهای یاد شده و نیز افغانستان به دریای عمان، اقیانوس هند و سرتاسر جهان است. راه آهن سراسری ایران هم اکنون ارتباط کشورهای این منطقه را با خلیج فارس برقرار می کند. از طرف دیگر با توجه به این که خلیج فارس ۸ کشور کناره خود را با اقیانوس هند مرتبط می کند، به صورت یک منطقه عملیاتی، همواره در راهبردهای نظامی مورد توجه بوده است.

**بازار کالا و تجهیزات نظامی:** کشورهای کناره خلیج فارس با بیش از ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت و درآمد سرشار نفت، یکی از بزرگ ترین بازارهای واردات کالا و تسلیحات نظامی به شمار می روند. به طوری که بازار فروش کالاهای مصرفی و سرمایه ای، بازار فروش خدمات چه به صورت مشاور و یا متخصص و چه به صورت ارائه خدمات کارگران ماهر، نیمه ماهر و غیر ماهر و یا بازار سرمایه (ورود و خروج سرمایه به شکل های مختلف) نقش بسیار حساسی در متعادل کردن تراز پرداخت های خارجی کشورهای مختلف جهان به ویژه کشورهای صنعتی دارد. در بین کشورهای صنعتی غرب بر سر تصرف این بازارها و جذب دلارهای نفتی آن، بین قدرت های اقتصادی همچون آمریکا، ژاپن، انگلیس، فرانسه، آلمان و حتی روسیه رقابت هایی وجود دارد. جذب دلارهای نفتی توسط جهان سرمایه داری به اشکال مختلف به شرح ذیل انجام می پذیرد: فروش تولیدات صنعتی و مصرفی، پس انداز در بانک های آمریکایی و اروپایی، فروش اسلحه و تسلیحات نظامی در منطقه، حضور خارجیان تحت عنوان نیروی کار ماهر و غیر ماهر و ارائه خدمات تخصصی، فنی، امنیتی و دفاعی.

ذخایر عظیم نفت و گاز: خلیج فارس حدود ۶۵۰ میلیارد بشکه از ۹۹۱ میلیارد

بشکه ذخایر نفت جهان که حدود ۶۵ درصد از کل ذخایر شناخته شده جهان است را در اختیار دارد. خلیج فارس همچنین ۳۱ تریلیون متر مکعب ذخایر گاز طبیعی یا ۳۰ درصد مجموع ذخایر گاز طبیعی شناخته شده جهان را نیز در بر دارد. این ذخایر تنها مربوط به خشکی نمی شود، بلکه بستر خلیج فارس را نیز در بر می گیرد. در بستر خلیج فارس بیش از ۷۰۰ حلقه چاه نفت در دست بهره برداری است. با توجه به حجم ذخایر مذکور، خلیج فارس را انبار نفت جهان می نامند. به همین دلیل خلیج فارس نقش تعیین کننده ای در اقتصاد جهان به ویژه کشورهای صنعتی دارد. قطع صدور نفت خلیج فارس جهان را با بحران سختی روبرو خواهد کرد. خلیج فارس از ویژگی هایی مانند بازدهی بالای چاه های نفت، پایین بودن هزینه تولید، ارزان بودن هزینه حمل و نقل، کیفیت بالای نفت خام، امکان کشف ذخایر جدید و بالا بودن ذخایر موجود در هر چاه نفت، برخوردار است. در هر چاه نفت در منطقه خلیج فارس بین ۲۵۰ هزار تن تا ۱ میلیون تن نفت ذخیره وجود دارد. در حالی که این رقم در ونزوئلا حدود ۲۰ هزار تن و در آمریکا ۶۰۰ تن است.

هر چند در سال های اخیر کوشش های فراوانی برای جایگزین کردن نفت با دیگر منابع انرژی صورت گرفته است و در مواردی نیز موفقیت هایی به دست آمده، اما به هیچ وجه از اهمیت نقش حیاتی و حساس نفت کاسته نشده، بلکه با توجه به وسعت نیازهای جهانی، تنوع فرآورده های نفتی و به عنوان ماده اولیه صنایع رو به گسترش پتروشیمی، بر اهمیت آن در هزاره سوم میلادی افزوده خواهد شد.

از سوی دیگر با بررسی هایی که در باره ذخایر نفتی حوزه دریای خزر به عمل آمده، هم اکنون مشخص شده که این منطقه نمی تواند رقیب حوزه خلیج فارس باشد. ذخایر نفتی حوزه دریای خزر بین ۶۰ الی ۱۴۰ میلیارد بشکه برآورد می شود که در مقایسه با حوزه خلیج فارس بسیار اندک است. بنابر این اتکای جهان صنعتی در آینده نیز همچنان به نفت خلیج فارس خواهد بود (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱، ۱۳-۱۱).

### شورای همکاری خلیج فارس

شورای همکاری خلیج فارس که به غلط به این عنوان معروف شده از شش کشور شبه جزیره عربستان تشکیل شده است. این شورا که هویت خود را به خلیج فارس

منتسب نموده است، عضویت کلیه کشورهای منطقه را شامل نمی‌شود؛ یعنی ایران که نیمه شمالی خلیج فارس را تحت حاکمیت خود دارد و نیز عراق را که یکی از کشورهای مهم منطقه است شامل نمی‌شود. (حافظ نیا، ۱۳۸۲، ۶۴)

این شورا در سال ۱۹۸۱ با اهداف رسمی و تصویب شده در ماده چهار اساسنامه به شرح ذیل تشکیل شده است:

۱\_ انجام هماهنگی و همکاری و همبستگی بین کشورهای عضو در تمامی حوزه‌ها برای رسیدن به وحدت در آنها.

۲\_ تعمیق و تقویت روابط، پیوندها و حوزه‌های همکاری متداول کنونی بین مردمشان در حوزه‌های مختلف.

۳\_ تنظیم مقررات مشابه در حوزه‌های: امور اقتصادی و مالی، تجارت و حقوق و عوارض گمرکی و ارتباطات، فرهنگ و تعلیم و تربیت، امور اجتماعی و بهداشتی، اطلاعات و جهانگردی، قانونگذاری و امور اداری.

۴\_ توسعه علمی و فناوریانه در حوزه‌های صنعتی، معدن‌شناسی، کشاورزی، آب و منابع حیوانی، تأسیس مراکز تحقیقات علمی، همدستی و همکاری در پروژه‌های عمومی، تشویق به همکاری بخش خصوصی برای رفاه حال مردم.

شورای همکاری خلیج فارس پس از تأسیس، فعالیت‌ها و موضع‌گیری‌های مختلفی داشته است. مهمترین اقدام شورا در راستای علت وجودی آن، سازماندهی نظامی و تجهیز تسلیحاتی ارتش اعضای شورا است تا بتواند ضمن انجام دادن نقش موازنه منطقه‌ای، به اصطلاح در مقابل تجاوز و تهدیدات از بیرون، ایستادگی کند.

از دیگر موارد مورد نظر در ایجاد هماهنگی برای تقویت دفاعی کشورهای عضو، می‌توان از موارد ذیل نام برد:

۱. ایجاد پوشش دفاع هوایی مشترک؛
۲. یکسان نمودن خدمت نظام وظیفه و حتی پیش‌بینی اجباری نمودن آن؛
۳. یکسان نمودن منبع خرید سلاح؛
۴. تأسیس سازمان صنایع نظامی مشترک و ایجاد کارخانه‌های تسلیحاتی،
۵. افزایش تعداد نیروهای مسلح؛

۶. ایجاد فرماندهی مشترک (این فرماندهی به عهده عربستان گذاشته شده است)؛

۷. ایجاد دانشکده مشترک نظامی؛

۸. ایجاد سیاست واحد جهت خرید اسلحه؛

شورای همکاری خلیج فارس، ماهیتی دفاعی و امنیتی دارد و فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی که در زمره اهداف اصلی بیان شده است، در حاشیه آن قرار دارند. این تشکل وسیله ای است برای بسط قدرت نفوذ عربستان در شش کشور شبه جزیره، و نیز ظهور یک قدرت جدید در مقابل سایر قدرت های موجود در منطقه، و از آنجایی که عربستان خود به عنوان عامل آمریکا در منطقه عمل می نماید، بنابراین بسط حوزه نفوذ عربستان، در حقیقت بیانگر بسط حوزه نفوذ آمریکا در سرتاسر شبه جزیره عربستان است. (حافظ نیا، ۱۳۸۲، ۸۳)

### اهداف و راهبرد آمریکا در منطقه

آمریکا همانند سایر قدرت های جهانی در جستجوی بهره گیری از امکانات خلیج فارس به ویژه نفت آن، پا به منطقه گذاشت. آمریکا در منطقه خلیج فارس به دنبال اهداف اساسی و مهمی است که از ارزش های نهفته در خلیج فارس ناشی می شود و برای آمریکا دارای ارزش حیاتی است. اهداف دسترسی به نفت، بازار منطقه ای خلیج فارس، کنترل موقعیت راهبردی خلیج فارس و تنگه هرمز، مقابله با نفوذ انقلاب اسلامی و مانند آن همواره مورد نظر آمریکا بوده و می باشد (حافظ نیا، ۱۳۸۲: ۱۱۵ - ۱۰۳). هارولد براون وزیر دفاع آمریکا در سال ۱۹۸۰ اهداف آمریکا در خلیج فارس را به شرح ذیل بیان کرد:

- تضمین دسترسی به عرضه نفت کافی؛
- ایستادگی در مقابل گسترش و نفوذ شوروی؛
- ایجاد ثبات در منطقه؛
- توسعه فرایند صلح در خاورمیانه.

آمریکا پس از جنگ جهانی دوم که به سوی سیاست سلطه طلبی روی آورده است، تا کنون در حدود ۴۰ پیمان امنیتی شرکت کرده و در تمامی آنها این سه هدف را تعقیب کرده است: (حافظ نیا، ۱۳۸۲، ۱۱۲)

- تسلط بر نقاط راهبردی جهان؛
- به دست آوردن بازارهای مصرف؛
- کنترل منابع انرژی و مواد اولیه.

۱ - اهداف آمریکا: از مجموع اظهار نظرها چنین نتیجه می شود که اهداف عمده آمریکا در خلیج فارس اهداف اقتصادی، راهبردی و سیاسی ذیل است:

#### الف) اهداف اقتصادی

۱) دسترسی به نفت خلیج فارس به منظور تأمین نیاز رو به رشد خود و کشورهای غربی و صنعتی. در کنار این هدف حفظ امنیت تنگه هرمز جهت حمل نفت از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. کنترل و تسلط بر منابع نفتی بزرگ ترین ذخیره جهان، یقیناً به آمریکا امکان می دهد که همچنان جایگاه رهبری جهان صنعتی غرب را برای خود محفوظ بدارد، به ویژه اینکه قدرت های صنعتی نوظهوری نظیر ژاپن و آلمان، گاهی موقعیت آمریکا را به خطر می اندازند. بنابر این منابع نفتی خلیج فارس، اصلی ترین محور توجه آمریکا به منطقه است و حفاظت و برقراری امنیت ذخایر نفت و راه ها و بنادر حمل و صدور آن از اهداف عمده آمریکا در منطقه محسوب می شود.

۲) تصرف و کنترل بازار مصرف منطقه ای خلیج فارس وجود دلارها و درآمدهای نفتی هنگفت در منطقه، کشورهای صنعتی را علاقه مند کرده است که این بازار ثروتمند مصرف را در کنترل خود قرار بدهند. در سال ۱۹۸۸ آمریکا حدود ۹۱۸۸، ژاپن حدود ۱۸۳۹۱ و انگلیس حدود ۱۱۸۰ میلیون دلار کالا به منطقه خلیج فارس صادر کرده اند.

#### ب) اهداف راهبردی

قرار گرفتن خلیج فارس و تنگه هرمز در ریملند نظریات جغرافیاسیاسی، آن را از اعتبار راهبردی خاصی برخوردار کرده است و بر اساس نظریه برژینسکی، ایالات متحده آمریکا منطقه خلیج فارس را بعد از اروپا و آمریکا، سومین خط دفاعی استراتژیک خود محسوب می دارد. بنابر این کنترل مناطق و نقاط راهبردی، به ویژه تنگه هرمز، از اهمیت ویژه ای برخوردار است، بعلاوه این که در کنار ذخایر نفت و خطوط کشتیرانی، حفاظت از سرمایه های آمریکائیان و هم پیمانان آن کشور در

منطقه نیز مورد نظر بوده است و یکی از مقاصد حضور نظامی آمریکا در منطقه حفظ امنیت این سرمایه ها است، و در اختیار گرفتن پایگاه های نظامی در منطقه بی ارتباط با این موضوع نیست.

### ج) اهداف سیاسی

نفوذ در منطقه و حفظ افتداری حاکمیت آمریکا بر حکومت های محلی خلیج فارس، راهگشای تأمین هدف های اقتصادی و راهبردی آمریکا است. در واقع هماهنگی و همسویی سیاست های آمریکا و انگلیس، به هماهنگی و همسویی دولت های محلی حاکم بر منطقه خلیج فارس با اهداف و سیاست های آمریکا منجر شده است. آمریکا از نفوذ سیاسی و عقیدتی و ایدئولوژیکی ج.ا.ا. در کشورهای منطقه نگران است، زیرا مردم منطقه زمینه پذیرش آن را دارند، و تجربه نیز ثابت کرده است که انقلاب اسلامی بر مردم عراق، کویت، بحرین، عربستان و... تأثیر داشته و قیام های مردمی را در این کشورها باعث شده است. آمریکا همچنین به حفظ ثبات سیاسی کشورهای میانه رو و وابسته به خود در منطقه علاقه زیادی دارد و بر آن تأکید می کند، زیرا از طریق حفظ ثبات و امنیت آنهاست که می تواند به اهداف سیاسی و اقتصادی و راهبردی نایل آید.

۲- راهبردهای آمریکا: آمریکا برای دست یافتن به اهداف اساسی خود در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز و بهره جویی از امکانات آن به راهبردهای مختلفی متوسل می گردد. گزینش یک راهبرد یا مجموعه ای از راهبردها بستگی به اوضاع و احوال منطقه دارد و گاهی راهبرد نظامی بر بقیه ترجیح داده می شود (حافظ نیا، ۱۳۸۲: ۱۲۹ - ۱۱۶). آمریکا در راستای راهبرد بازدارندگی خود در خلیج فارس فعالیت های کلی زیر را انجام می دهد:

۱. تأمین کمک های امنیتی به اعضای شورای همکاری خلیج فارس و سایر کشورهای هم پیمان همچون پاکستان و ترکیه، به عنوان مکمل راهبرد آمریکا.
۲. جلوگیری از تقویت نظامی ایران به عنوان قدرت نوظهور منطقه که با سیاست های آمریکا مخالف است.
۳. تقویت نظامی عربستان که تنها ستون دار آمریکا و کلید ثبات منطقه

برای دخالت آمریکا در خلیج فارس می باشد.

راهبرد نظامی آمریکا در منطقه تضمین کننده راهبرد سیاسی و نفوذ در منطقه است، و راهبرد سیاسی نیز به نوبه خود، تضمین کننده تهیه مکمل های راهبرد نظامی در منطقه خلیج فارس است. رئوس فعالیت ها و اقدامات آمریکا برای اجرای استراتژی سیاسی عبارت است از:

۱. در اختیار گرفتن مسئولیت امنیت منطقه خلیج فارس و خطوط کشتیرانی نفت و کالا، و القای این تصور و باور در حکام منطقه و دولت های غربی که تنها آمریکا با نیروی دریایی خود می تواند امنیت را در منطقه خلیج فارس و سیستم های حمل و نقل دریایی آن و تنگه هرمز و در پهنه اقیانوس ها و تنگه های جهان حفظ کند؛
۲. جلوگیری از گسترش نفوذ رقبا در منطقه؛
۳. به عهده گرفتن مدیریت اقدامات همگانی و بین المللی در حوادث خلیج فارس؛
۴. به عهده گرفتن مدیریت و هدایت فعالیت ها و تلاش های مربوط به صلح اعراب و اسرائیل؛
۵. تلاش برای برقراری و توسعه روابط سیاسی با ایران به عنوان قدرت منطقه ای ضد آمریکایی شمال خلیج فارس، به منظور کاهش خصومت ها علیه خود در منطقه و نیز برای افزایش میزان نفوذ سیاسی خود؛
۶. گسترش روابط با روسیه و متقاعد کردن آن کشور به خودداری از بهره جویی از بحران های منطقه ای؛
۷. تقویت شورای همکاری خلیج فارس در مقابل ایران.

### نظم نوین جهانی و اهداف آن در منطقه

نظم نوین جهانی برای نخستین بار توسط جرج بوش رئیس جمهور آمریکا در جریان جنگ خلیج فارس اعلام شد. این نظم در ارتباط با آینده مناسبات جهانی طرح گردیده و در حقیقت بیانگر دیدگاه های آمریکا نسبت به قرن ۲۱ است. لذا تحقق این نظم نوین، اولویت اصلی سیاست خارجی آمریکا را تشکیل می دهد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۱۹ - ۱۶).

آمریکا در نظر دارد تا در نظم نوین جهانی، سلطه بلامنازع خویش را به عنوان برترین قدرت جهانی تثبیت کند. اما نقش رهبری آمریکا با مخالفت مراکز جدید قدرت روبرو شده است. در این راستا اروپا خواستار آن است که در نظم نوین جهانی جایگاه مناسب و شایسته خود را داشته باشد. واقعیت این است که اروپایی ها نمی خواهند صرفاً بازیگر صحنه اقتصادی جهان باشند، بلکه آنها راغب هستند که در اتخاذ تصمیمات سیاسی و اداره نظم نوین جهانی فعالانه مشارکت کنند. در حالی که آمریکا خواهان آن است که اروپا همچنان رهبری آمریکا را در نظم نوین جهانی بپذیرد.

در این راستا، حوزه خلیج فارس رزمگاه آمریکا در نظم نوین جهانی با سایر مراکز جدید قدرت است. خلیج فارس به علت ذخایر عظیم نفت و گاز، به عنوان مهم ترین کانون فعالیت های سیاسی و اقتصادی آمریکا انتخاب گردیده و این کشور موضع گیری در قبال سایر رقبای خود را در نظم نوین از این منطقه آغاز کرده است. در واقع نظم نوین جهانی، طرحی نو برای سلطه ای نو بر مناطق مهم و ژئوپولیتیک جهان توسط آمریکا است. آمریکا برتری در توازن قدرت های آینده را در تسلط بر مناطق ژئواکونومیک و سرشار از منابع اقتصادی می داند تا به این وسیله بتواند ضمن ایجاد اختلال در امنیت اقتصادی کشورهای رقیب، به موقعیت برتر در نظم نوین دست یابد. به بیان دیگر آمریکا از طریق تسلط بر منابع انرژی منطقه خلیج فارس در نظر دارد امنیت جریان نفت و کنترل قیمت آن را در اختیار خود بگیرد، تا از این طریق شریان اقتصادی اروپا و ژاپن، یعنی رقبای خود را که وارد کنندگان عمده نفت خاورمیانه هستند، در دست داشته باشد تا بدینوسیله آنان را با اهداف خود در نظم نوین همراه سازد.

بنابراین اهداف آمریکا از حضور نظامی مستقیم در خلیج فارس عبارتند از: تضمین دسترسی بلند مدت خود به نفت، کنترل قیمت نفت و در اختیار گرفتن نبض اقتصادی اروپا و ژاپن.

### □ نتیجه آزمون فرضیه

با توجه به طرح سوالات چهار گزینه ای و اختصاص امتیازات به شرح ذیل: خیلی کم=۱ امتیاز، کم=۲ امتیاز، زیاد=۳ امتیاز، خیلی زیاد=۴ امتیاز، مقدار متوسط ۲٫۵ به



عنوان مرز تأثیر یا عدم تأثیر مؤلفه در بازدارندگی تعیین گردید. هر مؤلفه ای که از مقدار متوسط بالاتری برخوردار باشد نسبت به سایر عوامل از اهمیت و تأثیر بالاتری برخوردار خواهد بود. همچنین جهت کسب اطمینان از معتبر بودن اطلاعات دریافتی و تعیین سطح اطمینان آن از آزمون سطح اطمینان  $\chi^2$  برای هر یک از سؤالات استفاده شده؛ و جهت کسب اطمینان از تسری اطلاعات به دست آمده از نمونه آماری به جامعه تحقیق از آزمون توزیع نرمال استفاده می گردد.

$$n = \frac{NZ_{\alpha}^2 PQ}{e^2(N-1) + Z_{\alpha}^2 PQ}$$

با استفاده از فرمول و تقریب حجم جامعه آماری  $N=1000$  و ضریب  $e=0.15$ ، حجم نمونه برابر ۴۰ نفر محاسبه گردید، که با توزیع و جمع آوری ۵۰ عدد پرسشنامه نتایج ذیل حاصل گردید:

سؤال اول: پیش بینی آسیب پذیری صنعت نفت و گاز از خسارت های ناشی از یک منازعه گسترده احتمالی در بین کشورهای منطقه خلیج فارس به چه میزانی می تواند از بروز آن ممانعت به عمل آورد؟

آزمون توزیع نرمال در جامعه تحقیق		خیلی زیاد: <input type="checkbox"/>	زیاد: <input type="checkbox"/>	کم: <input type="checkbox"/>	خیلی کم: <input type="checkbox"/>			
خیلی زیاد: ۴	زیاد: ۳	کم: ۲	خیلی کم: ۱	تعداد کل	$\bar{X}$	$\chi^2$	سطح اطمینان	بازه پاسخ
۲۳	۲۲	۵	۰	۵۰	۳,۳۶	۳۳,۰۴	۰,۹۹۹	$2/121 \leq \alpha_x \leq 2/599$

۴۵ نفر از ۵۰ نفر (۹۰٪) معتقد به بازدارندگی زیاد و خیلی زیاد این مؤلفه هستند و این مؤلفه با مقدار متوسط ۳,۳۶ دومین عامل بازدارنده می باشد.

سؤال دوم: پیش بینی آسیب پذیری بازار کالا و سرمایه از خسارت های ناشی از یک منازعه گسترده احتمالی در بین کشورهای منطقه خلیج فارس به چه میزانی می تواند از بروز آن ممانعت به عمل آورد؟

خیلی زیاد:  زیاد:  کم:  خیلی کم:

آزمون توزیع نرمال در جامعه تحقیق		سطح اطمینان	$Z^*$	$\bar{X}$	تعداد کل	خیلی ۱: کم	۲: کم	زیاد: ۳	خیلی زیاد: ۴
بازه پاسخ	سطح اطمینان								
$31.212 \leq \alpha_x \leq 31.628$	۰.۹۹	۰.۹۹۹	۴۲.۶۴	۳.۴۲	۵۰	۰	۲	۲۵	۲۳

۴۸ نفر از ۵۰ نفر (۹۶٪) معتقد به بازدارندگی زیاد و خیلی زیاد این مؤلفه هستند و با مقدار متوسط ۳.۴۲ زودتر و سریعتر از سایر عوامل تأثیر بازدارندگی خود را نشان می دهد و مؤثر ترین عامل را مشخص کرده است.

سؤال سوم: پیش بینی آسیب پذیری ارتباطات، کشتیرانی و موقعیت راهبردی از خسارت های ناشی از یک منازعه گسترده احتمالی در بین کشورهای منطقه خلیج فارس به چه میزانی می تواند از بروز آن ممانعت به عمل آورد؟

خیلی زیاد:  زیاد:  کم:  خیلی کم:

آزمون توزیع نرمال در جامعه تحقیق		سطح اطمینان	$Z^*$	$\bar{X}$	تعداد کل	خیلی ۱: کم	۲: کم	زیاد: ۳	خیلی زیاد: ۴
بازه پاسخ	سطح اطمینان								
$31.087 \leq \alpha_x \leq 31.473$	۰.۹۹	۰.۹۹۹	۵۲.۷	۳.۲۸	۵۰	۰	۲	۳۲	۱۶

۴۸ نفر از ۵۰ نفر (۹۶٪) معتقد به بازدارندگی زیاد و خیلی زیاد این مؤلفه هستند و با مقدار متوسط ۳.۲۸ سومین عامل بازدارنده را تعیین کرده است

سؤال چهارم: پیش بینی آسیب پذیری زیر ساخت های عمومی منطقه از خسارت های ناشی از یک منازعه گسترده احتمالی در بین کشورهای منطقه خلیج فارس به چه میزانی می تواند از بروز آن ممانعت به عمل آورد؟

خیلی زیاد:  زیاد:  کم:  خیلی کم:

آزمون توزیع نرمال در جامعه تحقیق		سطح اطمینان	$Z^*$	$\bar{X}$	تعداد کل	خیلی ۱: کم	۲: کم	زیاد: ۳	خیلی زیاد: ۴
بازه پاسخ	سطح اطمینان								
$31.027 \leq \alpha_x \leq 31.452$	۰.۹۹	۰.۹۹۹	۴۳.۷۶	۳.۲	۵۰	۰	۴	۳۰	۱۶

۴۶ نفر از ۵۰ نفر (۹۲٪) معتقد به بازدارندگی زیاد و خیلی زیاد این مؤلفه هستند

و با مقدار متوسط ۳,۲۵ چهارمین عامل بازدارنده را مشخص می سازد  
نتیجه: بدین ترتیب با اطمینان ۹۹۹ نمونه آماری تحقیق معتقد هستند (با  
مقدار متوسط ۳,۳۱) که خسارت های وارده به عوامل جغرافیایی حوزه خلیج  
فارس می تواند ایجاد بازدارندگی نموده و فرضیه طرح شده را تأیید نموده اند. به  
تبع آن با استفاده از آزمون توزیع نرمال با اطمینان ۰,۹۹ (در بازه ۳,۶۲۸ تا ۳,۰۲۷  
) نتایج حاصله در مورد جامعه تحقیق مورد تأیید و تسری خواهد بود.  
**تجزیه و تحلیل:** از آنجایی که دو طرف یک مناقشه احتمالی راهبرد خود را  
بازدارندگی اعلام نموده اند، که معنی آن عدم اقدام اولیه نظامی برای تغییر وضع  
موجود می باشد و در این راهبرد به صورت آشکار یکدیگر را به مجازات های شدید  
در صورت اقدام نظامی تهدید می نمایند و با توجه به آسیب پذیری شدید عوامل  
مهم جغرافیایی منطقه خلیج فارس در صورت بروز یک منازعه گسترده، هیچ یک  
از طرفین به طور منطقی جهت دستیابی به منافعی بیشتر و یا تأمین برخی اهداف  
احتمالی مورد نظر خود، به اقدامات نظامی متوسل نخواهد شد. شایان ذکر است این  
محاسبات منطقی شامل کشورهای منطقه می گردد که تمام موجودیت آنها در  
همین منطقه قرار دارد، ولی قدرت های مداخله گر مانند آمریکا و هم پیمانانش که  
به دنبال منافع خود در منطقه هستند، ممکن است محاسبات دیگری را برای خود  
در نظر داشته باشند که با شرایط یاد شده متغیث بوده و با پیش بینی امکان  
دستیابی به اهداف مورد نظر، ممکن است نتایج و تصمیم گیری های متفاوتی را در  
پی داشته باشند.

البته در صورتی که محاسبات منطقی به کار گرفته نشود، همان طور که قبلاً در  
منطقه مشاهده شده است (تصور تصرف یک هفته ای تهران توسط صدام در سال  
۱۳۵۹ و بروز مشکلات بعدی، تصور تصرف کویت توسط صدام در سال ۱۳۶۹ و قبول  
این مسأله و سکوت سایر کشورها، تصور تصرف عراق و سرنگونی صدام به جرم  
داشتن سلاح های کشتار جمعی و برقراری دولت طرفدار آمریکای طی ۶ ماه توسط  
جرج بوش) با توجه به نقاط ضعف استراتژی بازدارندگی ذکر شده، امکان بروز یک  
منازعه گسترده در منطقه وجود دارد که می تواند اتفاقات و نتایج ناگواری را در پی  
داشته باشد.

## □ پیشنهادها

با توجه به نتایج حاصله از آزمون فرضیه و تأیید آن مبنی بر تأثیر قوی عوامل جغرافیایی بر بازدارندگی نسبت به وقوع یک منازعه گسترده در بین کشورهای حوزه خلیج فارس، ضروری است که جمهوری اسلامی ایران بازدارندگی خود را تداوم و تقویت ببخشد. لذا جهت تقویت بازدارندگی پیشنهادهایی مبتنی بر تأثیر عوامل بازدارندگی بر عوامل مهم جغرافیایی حوزه خلیج فارس ارائه می‌گردد تا بتوان تداوم صلح را در این منطقه از جانب جمهوری اسلامی ایران تضمین نمود:

۱ - تقویت قدرت بازدارنده: جهت اقتناع دشمنان احتمالی در مورد عدم امکان دستیابی به منافع مورد نظر در قبال خسارت‌های عمده ناشی از بروز منازعه و بی‌ارزش بودن اقدام به جنگ و استفاده از قدرت نظامی جهت کسب منافع بیشتر.

۲ - نمایش قدرت: جهت کسب تأثیر روانی در دشمنان احتمالی با استفاده از شیوه‌های مختلفی همچون مانور، رژه، برقراری نمایشگاه و...؛ با نمایش قدرت می‌توان در صورت بروز تنش و پیش‌بینی وقوع جنگ و قبل از حادث شدن آن با تأثیر روانی بر بازار کار، کالا و سرمایه عملاً تأثیر بازدارندگی را اعمال نمود.

۳ - تعیین و تبیین شروط بازدارندگی به طور صریح و روشن: مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران باید دشمنان احتمالی را دقیقاً از حدود اعمال ممنوعه و اتفاقی که در اثر عدول از آن خواهد افتاد، آگاه سازند. بنابراین با برقراری یک ارتباط روشن و صریح با استفاده از بیانیه‌ها و سخنرانی‌های علنی، پیام‌های خصوصی، و عملکردهای حاوی نشانه‌ها و علائم خاص این موضوع را کاملاً روشن بیان کرد. هر اندازه آن مرزی که یک متجاوز نباید از آن عبور کند، روشن‌تر، چشمگیرتر، و با ابهام کمتری باشد، احتمال موفقیت بازدارندگی بیشتر خواهد بود.

۴ - تعیین و تبیین مکانیزم اعمال قدرت بازدارنده به طور صریح و روشن؛ مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران در بیانیه‌های علنی و ارتباطات خود باید با بیان روش‌های اعمال قدرت بازدارنده، دشمنان احتمالی را متقاعد سازند و آنها را مطمئن نمایند که در صورت عبور از مرزهای تعیین شده، تقریباً به شکلی خودکار، خسارات و ضایعات غیرقابل قبولی را برای خود رقم خواهند زد. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران قبلاً بارها نشان داده است که برای دفاع از کشور و منافع

ملی هزینه های سنگینی را تقبل نموده است و در آیند نیز می تواند به این امر ادامه دهد، این موضوع به میزان زیادی بر اعتبار توان بازاریابی کشور می افزاید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## □ مراجع

۱. عزتی، عزت الله، جغرافیای سیاسی در قرن بیست و یکم (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، چاپ دوم، ۱۳۸۲)
۲. عزتی، عزت الله، ژئواستراتژی (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، چاپ چهارم، ۱۳۸۴۲)
۳. حافظ نیا، خلیج فارس و نقش تنگه هرمز (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، چاپ سوم، ۱۳۸۲)
۴. جعفری ولدانی، اصغر، جغرافیای دریای سرخ و خلیج فارس (تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، چاپ اول، ۱۳۸۱)
۵. کالینز جان، ام، استراتژی بزرگ، مترجم کورش بایندر (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه - ۱۳۷۰)
۶. محمدنژاد، میرعلی و نوروزی، محمدتقی، فرهنگ استراتژی، (تهران، سنا، چاپ اول، ۱۳۷۸)
۷. باقری کبوری علی، کلیات و مبانی استراتژی و جنگ، (تهران: مرکز نشر بین الملل، پاییز ۱۳۷۰)
۸. سنجابی علیرضا، استراتژی و قدرت نظامی، (تهران: انتشارات پازنگ، چاپ اول، ۱۳۷۵)
۹. بوفر آندره، مقدمه ای بر استراتژی، مترجم کشاورز مسعود (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۶)
۱۰. هویدی امین، کیسینجر و استراتژی های امریکا، مترجم صفاء الدین گچی (تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی آفرینه، چاپ اول، ۱۳۷۸)
۱۱. ویلیامز، فیل، استراتژی معاصر، نظریات و خط مشی ها، مترجم هوشمند میرفخرایی، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه - چاپ سوم ۱۳۷۴)
۱۲. گارنت، جان، استراتژی معاصر، نظریات و خط مشی ها، ترجمه هوشمند میرفخرایی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چاپ سوم، ۱۳۷۴)

۱۳. ازغندی، علیرضا و روشندل، جلیل، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر ( تهران : سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، چاپ اول، ۱۳۷۰)

۱۴. پیترز، جان، معماری نظامی آمریکا برپایه نظم نوین جهانی، ترجمه سیدحسین محمدی نجم، ( تهران : دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸)

۱۵. گری کالین، سلاح جنگ افروز نیست، سیاست، استراتژی و فناوری نظامی، ترجمه احمد علیخانی، ( تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دوره عالی جنگ، چاپ اول، ۱۳۷۸)

۱۶. بیلیس جان، استراتژی معاصر، نظریات و خط مشی ها، ترجمه هوشمند میرفخرایی ( تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چاپ سوم، ۱۳۷۴)

۱۷. مومنی، منصور و آذر، عادل، آمار و کاربرد آن در مدیریت ( دو جلد ) ( تهران : سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، چاپ نهم، ۱۳۸۵)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو د مرکز  
پرتال جامع علوم انسانیت